

بسم الله الرحمن الرحيم

پیوندهای خانوادگی و فAMILیلی

ایجاد انگیزه :

بحث در رابطه با ارزش هایی است که در جامعه مورد هجوم قرار گرفته و سید الشهداء که غیرت الله و مظهر غیرت خدا بود با سقوط ارزش ها در آن زمان مبارزه کرد. یک مؤمن باید نسبت به ارزش هایی که در جامعه کم رنگ می شود حساس باشد .

یکی از ارزش های بسیار مهم که متأسفانه مورد هجوم دستگاه ابلیس قرار گرفته، پیوندهای خانوادگی و فAMILیلی است. اگر قرار است جایی تربیت صورت بگیرد، در خانواده است. طبیعتاً شیطان با چنین جایی کار دارد که خانواده دچار فروپاشی شود و به جای این که سرباز برای دین خدا تربیت شود، سرباز برای شیطان تربیت شود.

متن و محتوا :

بنابر روایات در آخر الزمان «كُثِرَ الطَّلَاقُ» طلاق زیاد می شود، «كُثِرَ الْعُقُوقُ» عاق شدن زیاد می شود، چون بچه ها حرمت پدر و مادر را نگه نمی دارند و عاق پدر و مادر می شوند، چه برعکس پدر و مادر عاق فرزندان می شوند. ما معمولاً عاق والدین را زیاد شنیده ایم اما پدر و مادر اگر به بچه ها ظلم کنند، عاق فرزندان می شوند؛ یعنی مورد نفرین آن ها قرار می گیرند. در آخر الزمان قطع رحم زیاد می شود؛ یعنی پیوند بین فAMILیل سست می گردد. زیاد شدن طلاق در بعضی از شهرهای بزرگ به فاجعه تبدیل شده است که از هر ده ازدواج، سه یا چهار تا منجر به طلاق می شود، اینها طلاق های قانونی است که در محضر ثبت می شود اما طلاق های عاطفی در خانه ها به این صورت که زن و شوهر با هم سازش ندارند و به نوعی از هم جدا هستند ولی کنار یکدیگر زندگی می کنند. شبکه های ماهواره ای، فضاهای مجازی که به طور گسترده در کشور مورد استفاده قرار می گیرد، می تواند به سست شدن رابطه ها و جدا شدن ها دامن بزند. چه بخواهیم یا نخواهیم فضاهای مجازی وارد کشور شده است. اگر استفاده از آنها را مدیریت کنیم در دورافتاده ترین جای کشور هم باشید با کل دنیا در ارتباط هستید و می توانید اطلاعات به روز داشته باشید. این فضاها می تواند صلۀ رحم را بیشتر کند، چون ارتباط با یکدیگر را راحت تر می کند، می توانیم فرهنگ و دینمان را تبلیغ کنیم اما متأسفانه مدیریت فضای مجازی دست ما نیست.

آن هایی که با اینترنت کار می کنند، وقتی یک کلمه را سرچ می نمایند چند تا واژه جنسی هم می آید که تحریک کننده می باشد. این کلمه چیست؟ این واژه چیست؟ لذا پیوندها را می تواند سست تر کند. موبایل

ها دورها را نزدیک کرده و نزدیک ها را دور کرده است. یک خانواده پنج نفری را تصور کنید که هر کدام با موبایل مشغول اند، این ها نزدیک اند ولی از یکدیگر دوراند. انسان به جای این که همراه اولش، پدر و مادر یا خواهر و برادرش باشد، موبایل است. خانومی چند وقت پیش زنگ زد و گفت: حاج آقا، پنج شش ماه که است ازدواج کردم ولی شوهرم به من هیچ میلی ندارد و سرد است. چه کار کنم؟ از ایشان سوال کردم، در خانه ماهواره دارید؟ گفت: بله. گفتم: این می تواند یک دلیل بسیار مهمش باشد. وقتی در ماهواره چهره های حرفه ای می بیند شما دیگر برای او جلوه ندارید. طبیعی است که در رابطه بین زن و شوهر این می تواند اثر گذار باشد. بیش از ۹۰ درصد جوان ها حداقل با شبکه های اجتماعی مرتبط اند. ضرر این فضاها، فقط این نیست که در آن دوست های ناباب پیدا می شود یا ساعت ها وقت، هدر می شود یا ضررهای جسمی و روحی دارد. در چین ۲۵ میلیون معتاد اینترنتی وجود دارد که بعضی از آنها حدود ۲۰ ساعت با موبایل و کامپیوتر خود هستند. مهمترین ضرر این فضاها این است که کم کم مدیریت تربیت را کسانی دیگر به عهده می گیرند، یعنی رقیب تربیتی برای پدر و مادر در خانه درست می شود. یک تربیت پنهان که در آن رابطه ها سست می شود، ارزش ها کم رنگ می شود. آیا این فضاها می تواند حیاء را کم رنگ کند؟ بله، زیرا کسی که در این فضا می رود، هر طور که بخواهد می تواند حرف بزند و کسی یقه اش را نمی گیرد. می تواند غیرت را کم رنگ کند؟ بله. می تواند ادب بین بچه ها و پدر و مادر را کم رنگ کند؟ می تواند انس بین پدر و مادر را و بچه ها را کم رنگ کند؟ چند نسل که بگذرد فرهنگ جدید، اخلاق جدید، دین جدید کم کم به وجود می آید. رهبر بزرگوارمان شورای عالی فضای مجازی را تشکیل می دهد، از قوی ترین اعضای که در کشورند؛ یعنی سران سه قوه، وزرای مربوط به کارهای فرهنگی و نخبه هایی که در این زمینه تخصص دارند تا قدرت تصمیم گیری بالا داشته باشند و بتوانند این فضا را مدیریت کنند. ما باید چه کار کنیم که نسل و بچه هایمان را از هجوم سنگینی که دستگاه ابلیس انجام داده، مصون نگه داریم. یکی از کارهایی که به خصوص پدر و مادر ها و آن کسانی که مربی اند، باید انجام دهند تربیت و اخلاق است. چیزی که با سخنرانی و حرف و ... نیست بلکه بیشتر عملی است. پدر و مادر عزیز در خانه با اخلاقت بچه را جذب کن و با او رفیق شو، نگذار همراه اولش شخص دیگری شود. پیغمبر اکرم و اهل بیت، مگر با مقاله نویسی و سخنرانی مردم را دین دار کردند؟ عمده با عمل شان بود. در اوائل دعوت در مکه پیغمبر را خیلی اذیت می کردند. ایشان به طائف رفت و در آنجا سران مشرکین به بچه هایی که در کوچه بودند، گفتند: این مرد را با سنگ بزنید. بچه ها پیغمبر را سنگباران کردند. پیغمبر از دست آنها فرار کرد و از شهر بیرون آمد و کنار باغی به دیوار تکیه داد و نشست. صاحب آن باغ که از مشرکین بود، دلش سوخت و به غلامش گفت: مقداری آب برای آن مرد ببر اما مواظب باش با او حرف نزنی، او ساحر است. غلام با ظرف آب جلو آمد و وقتی به چند قدمی پیامبر رسید، پیغمبر اکرم بلند سلام کردند. آب را گذاشت، پیغمبر سوال کرد که اهل کجا هستی؟ گفت: آقا اهل نینوا هستم. پیغمبر فرمود: عجب، سرزمین برادرم یونس. گفت: مگر شما یونس را

می شناسید، پیغمبر فرمود: بله، برادرم یونس از انبیاء الهی بود. بعد شروع به خواندن آیاتی کرد. «وَإِنَّ
يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ، فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ، فَأَلْتَقَمَهُ الْبَلُوتُ» غلام همان
جا زانو زد و گفت: آقا دین شما چگونه است؟ به من یاد بدهید. به او شخصیت داد و عملاً جذبش کرد.
خانمی در تهران هست که ۴ تا بچه دارد و هر کدام بهتر از دیگری. دکتر، مهندس، با سواد، متدین. از این
خانم موفق سوال کردند که شما چگونه توانستی بچه هایت را این گونه تربیت کنی؟ گفت: من آن چیزی که
می خواستم بچه هایم بشوند، خودم عمل کردم. به قول آن حرف حکیمانه، بچه های ما آنچنان می شوند که
ما هستیم، نه آنچنان که می خواهیم. مرحوم علامه ی مجلسی در هفته خانواده اش را جمع می کرد و نیم
ساعت برایشان حرف می زد. دو سه تا مسئله ی شرعی می گفت، روایتی می خواند و موعظه ای می کرد اما
وقتی ۴۰ دقیقه حرف می زد، یک هفته عمل می کرد. خانم مصطفوی دختر امام می گفت: پدرمان از بچگی
سر نماز خیلی دعوا مرافعه نمی کرد. یک کلمه به ما می گفت: بچه ها بازی و تفریحتان را بکنید، اول وقت
که خدا دعوتتان کرد، نمازتان را هم بخوانید؛ چون می دانستیم پدرمان کسی است که اول وقت، صدای اذان
را می شوند، تپش قلب می گیرد، نمی تواند بنشینند. در مهمترین جلسه کشوری یا لشکری اگر حضرت امام
بود، صدای اذان که می آمد، آستین هایش را بالا می زد و بلند می شد. می گفت: خدا دارد دعوت می کند،
«حیّ علی الصلاة» بیایید نماز. ایشان می گفت: اگر آقا یک مرتبه به ما می گفت که بچه ها حرف خودتان را
بزنید ولی غیبت نکنید، ما را بس بود زیرا می دانستیم کسی این حرف را می زند که در طول عمرش غیبت
نکرده است. آیت الله مظاهری می گفت: زمانی که امام در قم تدریس می کرد، یک روز برای عزیمت به محل
درش، شنید که یک نفر از شاگردانش غیبت یکی از آقایان را کرده است. امام آنقدر به هم ریخت که دیگر
نتوانست سر درس بیاید و به خانه برگشت و بیماری مالی که داشت، عود کرد و تا سه روز در خانه افتاد.
درو خدا بر پدران و مادرانی که اهل عمل اند. با نماز شوخی نمی کنند، با حجاب شوخی نمی کنند. بچه از
بچگی می فهمد نماز مهم است ولی وقتی پدرش به نماز اهمیت نمی دهد، می فهمد که می شود با نماز
شوخی کرد. دختر بچه کوچک وقتی می بیند مادرش موقعی که سبزی فروش یا میوه فروشی داخل کوچه
می آید، حجابش کامل است، می فهمد حجاب جدی است و شوخی نیست. بعضی از افراد سوال می کنند
چرا گاهی مواقع بچه هایی که در خانواده های متدین هستند از جهت دینی ضعف دارند؟ در نمازشان، در
حجابشان و در موارد دیگر.

گاهی مواقع پدر و مادر به هیچ عنوان مقصر نیستند. پدر و مادر هرکاری برای تربیت فرزند کرده اند ولی
بچه بد در می آید زیرا عوامل تربیت فقط پدر و مادر نیستند. گاهی مواقع بچه های معصومین بد در می
آمدند. جعفر کذاب عموی امام زمان ادعای امامت داشت. امام رضا علیه السلام برادری به نام زیدالنار داشت
که چند بار او را توبیخ کرد و گفت: فکر نکن چون فرزند موسی بن جعفر هستی هشت در بهشت به روی تو

باز است، باید اهل عمل باشی. پس عوامل تربیت چیزهای دیگری هستند اما گاهی اوقات پدر و مادر در یک جا کوتاهی می کنند. آن کجاست؟ اهل عمل دینی هستند ولی اخلاق دینی ندارند. دختر خانمی نامه ای نوشته بود که حاج آقا ما پدری داریم که اهل مسجد هست ولی وقتی خانه می آید، چهار ستون بدنمان می لرزد. با کوچکترین بهانه ای دعوا راه می اندازد. چندی پیش برادرم که ۱۷، ۱۸ سال دارد با پدرم مشاجره ای کرد، ایشان عصبانی شد و با وسیله ای محکم به سر برادرم زد و الان دوماه در کما است. با این پدر چه کار کنیم؟ همین پدر نماز خوان، بچه اش را بی نماز می کند. اگر نماز این است که خودت را درست نکرده، من این نماز را نمی خواهم. مرحوم شیخ مرتضی زاهد در تهران بود. چون زهد فوق العاده ای داشت به شیخ مرتضی زاهد معروف بود. حضرت امام ایشان را خیلی دوست داشت با او رفیق بود. گاهی اوقات مرحوم آیت الله بروجردی ایشان را به قم دعوت می کرد که چند کلمه من را نصیحت و موعظه کن. ایشان به قم می رفت و چند کلمه صحبت می کرد، آقای بروجردی با آن عظمت زار زار گریه می کرد. آقای شیخ مرتضی زاهد صاحب نفس بود. یک مرتبه منزل ایشان را دزد می زند. آقا ظاهراً نیم ساعت مانده به اذان صبح به مسجد رفته بودند. ایشان در خانه چیزی نداشت ولی دزد این را نمی دانست. وقتی وارد شد چیزی نیافت و تنها یک قالیچه پیدا کرد. قالیچه را زیر بغل گذاشت و در کوچه را باز کرد که با شیخ مرتضی زاهد مواجه شد. آقا تا او را دید، گفت: سلام علیکم، خیلی خوش آمدی، میهمان حبیب خدا است آن هم میهمانی که با پای مبارک خودش وارد خانه شده باشد. چرا نگفتی زودتر بیایم تا چیزی از قبل تهیه کنم؟ دزد می گوید: آقا من را به داخل خانه آورد. گفت: بنشین تا چایی درست کنم و با هم بخوریم. با هم بیست دقیقه ای نشستیم و چایی خوردیم. بعد آقا گفت: آقا جان، اگر بمانی ظهر آبگوشتی بار می گذارم تا با هم ناهار بخوریم. گفتیم: نه، اجازه بدهید من بروم؟ گفت: میل خودتان است. هنگام رفتن شیخ مرتضی زاهد قالیچه را تا دم در آورد و گفت: آقا این هدیه است، به روی من نیاورد که دزدم. فقط یک کلمه به من گفت: جوان پاک زندگی کن. از فردای آن روز می گویند: یکی از کسانی که پشت سر شیخ مرتضی زاهد نمازش ترک نمی شد، همین جوان دزد بود. آدم با اخلاقش خیلی کارها می تواند انجام دهد. پدر و مادر در خانه علاوه بر عمل دینی، باید اخلاق دینی هم داشته باشند.

سست شدن پیوندها

پیوندها سست شده است، خانواده مورد هجوم قرار گرفته است. خانواده ای که محل تربیت سرباز برای دین خدا است را باید حفظ کرد. یکی از چیزهایی که در تحکیم خانواده بسیار مهم است وقت گذاشتن برای یکدیگر است، با همدیگر بگویند و بخندید. میانگین صحبت خانواده ها در ایران می دانید چقدر است؟ میانگین صحبت خانواده ها ۱۹ دقیقه است، این خیلی کم است. از سر کار که می آید، جلوی تلویزیون لم می دهد یا روزنامه می خواند. پیغمبر اکرم فرمود: (جلوس المرء عند زوجها) اگر مردی پیش زنش بنشیند،

خیلی محبوب است. امام باقر علیه السلام فرمود: (تَعَاظِفُوا) با همدیگر عطف داشته باشید و (تَأَلَّفُوا) الفت و انس بگیرید. گاهی حضرت زهرا و امیرالمومنین در باغ حضرت غذایشان را می خوردند. با یکدیگر شوخی می کردند، برای همدیگر وقت می گذاشتند، با احترام پدر و مادر یکدیگر را صدا می زدند. در خانه ای که پدر و مادر به هم احترام می گذارند، بچه ها به هردو احترام می گذارند ولی وقتی پدر و مادر در خانه حرمت یکدیگر را نگه نمی دارند، بچه ها حرمت هیچ کدامشان را نگه نمی دارند. امیرالمومنین و حضرت زهرا هر موقع یکدیگر را صدا می زدند، حضرت زهرا می فرمود: یا ابالحسن. امیرالمومنین صدا می زد، دختر پیغمبر. امیرالمومنین علیه السلام فرمود: هر موقع وارد خانه می شدم، «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهَمُومُ وَ الْأَحْزَانُ» زهراء غم را از دل من برمی برد. در طول ۹ سالی که با زهرا زندگی کردم، «لَا أُغْضِبْتَنِي وَ لَا أُغْضِبْتَهَا» یک بار من را غضبناک نکرد، من هم او را غضبناک نکردم. یک بار دل من را نشکست، من هم دل او را نشکستم. مرحوم علامه ی طباطبایی می گفت: من ۴۰ سال با این زن زندگی کردم، یک بار کاری نکرد که من در ذهنم باشد که ای کاش یک کار دیگری انجام می داد؛ یعنی قلق همسرش را به دست آورده بود و طبق همان رفتار می کرد. ایشان می گفت: در واقع تفسیر با عظمت المیزان را دو نفر نوشتند. یکی خودش و دیگری خانمش. خانمش نوشت اما پشتیبان او بود. وقتی خانم ایشان از دنیا رفت، علامه تا سه سال هر روز سر قبر ایشان می آمد. بعد از سه سال چون پیر و مریض شده بود در هفته یکی دو مرتبه می آمد. ایشان خیلی گریه می کرد. می گفتند: آقا این قدر گریه نکنید. می گفت: وقتی یاد مهربانی ها و فداکاری های او موقع درس خواندن یا نوشتن المیزان می افت م نمی توانم آرام بنشینم. پیوند بین اعضای خانواده با یکدیگر باید محکم باشد، این خودش حفظ کننده بچه ها است. وقتی رفاقت و بگو و بخند بیشتر شود، فرزندان به جای آنکه سراغ رفیق اش برود، سراغ تو می آید.

سومین مطلب برای حفظ خانواده: فضا سازی

پیغمبر اکرم فرمود: پدر و مادرها «أَفْعَلُوا الْخَيْرَ» خودتان اهل عمل باشید. بعد فرمود: «وَذَكِّرُوهُمْ بِاللَّهِ» بچه ها را متوجه خدا کنید، یعنی فضای خانه را، فضای یاد خدا کنید که این که فضای یاد خدا را می شود فضای غفلت کرد. فضا سازی، یکی از راه های تربیت غیر مستقیم است که بسیار موثر است. خانه ای که سه هزارتا شبکه ماهواره ای در آن است که ۳۰ تا شبکه سالم در آن نمی توان پیدا کرد تا با زن و بچه ببینند، این خانه، فضای غفلت از خدا است یا فضای ذکر و یاد خدا؟ نوجوان ۱۳ ساله ای در نامه ای نوشته بود: چند ماه است مبتلی به یک عادت معصیت شده ام، یک گناهی برای من عادت شده است، بیچاره شده ام. می گفت: این عادت از زمانی شروع شد که داخل اتاق خوابیده بودم. پدر و مادرم گمان می کردند که من خوابم

و در اتاق به سمت تلویزیونی که متصل به ماهواره بود، باز بود. می گفت: فیلمی را دیدم که پدر و مادرم مشغول دیدنش بودند. می گفت: آن گناه، از دیدن آن فیلم شروع شد که به شدت تحریک شدم و الان دارم بیچاره می شوم. ۱۳ سالش است و شاید هنوز به بلوغ نرسیده باشد. به این فضا، فضای غفلت می گویند اما فضای خانه ها را می شود فضای ذکر و یاد خدا کرد، «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» خانه هایی که برای آسمانیان نور می دهد. پیغمبر فرمود: همان گونه که وقتی آسمان را در شب نگاه می کنید، بعضی از ستاره ها پرنور و بعضی کم نور هستند. آسمانیان وقتی زمین را نگاه می کنند، بعضی از خانه ها پر نور و بعضی کم نور هستند، بعضی ها تاریک است و اصلاً به چشم ملائکه نمی آید. آن خانه هایی که نور دارد ولو کم نور، خانه های ذکر است. کاری کنیم که خانه هایمان به چشم آسمانیان بیاید. اگر بلایی در این خانه آمد، برایمان دعا کنند.

حافظ چقدر قشنگ می گوید:

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای
فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد

طوری زندگی کن که ملائکه برایت دعا کنند و بگویند: خدایا ما این را می شناسیم، آدم خوبی است. حالا یک چیزی از دستش در رفته است. در اصول کافی روایتی از پیغمبر اکرم نقل شده است که فرمودند: «تَوَرَّوْا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَ لَا تَتَّخِذُوهَا قُبُورًا كَمَا فَعَلَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى» خانه هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید. پدر و مادر عزیز، گاهی مواقع صدای قرآنت بالا برود، صدای دعایی که می خوانی بالا برود. اگر بچه ببیند که پدرش قرآن می خواند، مادرش دعا می خواند و اشک می ریزد، بالاترین تربیت برای او است. پیغمبر فرمود: خانه هایتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید تا مانند قبرستان سرد و تاریک قرار نشود آنچنان که یهود و نصاری این کار را کردند. یهود و نصاری چه کار کردند؟ حضرت فرمود: «صَلُّوا فِي الْكِنَائِسِ وَ الْبَيْعِ، وَ عَطَّلُوا بُيُوتَهُمْ» عبادت شان را در کلیساها و کنیسه ها انجام دادند و خانه هایشان را تعطیل کردند. پیغمبر فرمود: مبدا شما این کار را کنید. همه عبادتتان را در محافل عمومی انجام ندهید، در خانه هایتان نیز انجام دهید. یکی از آسیب هایی که متوجه ما است و هواسمان را باید جمع کنیم، همین قرآن خواندن هایی است که بعد از نماز مغرب و عشاء تقریباً در همه مساجد کشور اجراء می شود. یک صفحه قرآن خوانده می شود که اگر در روز کسی نرسید قرآن بخواند، شب که برای نماز مغرب و عشاء به مسجد می آید، قرآنش را بخواند. آن کسی که بانی این سنت بود، این قصد را داشت اما این می تواند یک آسیب باشد. حاج آقا، قرآن خواندن هم آسیب دارد؟ نه، ولی این آسیب را دارد که شما در مسجد قرآن بخوانی و دیگر در خانه ات نخوانی. پیغمبر فرمود: مبدا کاری که یهود و نصاری کردند، شما انجام دهید. عبادت هایتان را فقط در معابد عمومی انجام ندهید. ما نماز جماعت هایمان را که در مسجد می خوانیم، عزاداری ها و سینه زنی هایمان را

مسجد می آییم، جشن های معصومین را مسجد می آییم، حدیث کساء، دعای کمیل و دعای ندبه را در مسجد می خوانیم، پس خانه چه می شود؟ این همان چیزی است که پیغمبر اکرم فرمود: این کار را نکنید. مرحوم فیض کاشانی در کتاب محجۀ البیضاء در مورد قرآن خواندن تردید کرده که فتوا دهد در خانه بهتر است یا در مسجد؟ ترجیح داده است در خانه.

گریز و روضه :

باران رحمت من به خواهرت نزول کن

داداش به جان مادر بچه هامو قبول کن

عون و محمد آقازاده های بی بی زینب سلام الله علیها هستند، سنشون کم بوده است، زیر پانزده سال، بعضی روایات داره خانوم، اینها را داخل خیمه لباس نو به تنشان کرد، چشم هایشان را سرمه کشید، به مو هایشان شانه زد، به بدن هایشان عطر کشید، فرمود: حالا بروید پهلو دایی تان، به دست و پایش بی افتید، اجازه ی میدان بگیری، مادر یادتان باشد، اگه دایی قبول نکرد، یادتان نرود، دایی رو به چادر مادرم قسم بدهید،

حسین برات یه دنیا غم آوردم گلام رو با خودم آوردم

بیخش که هدیه کم آوردم حسین ستاره ی عرش برینم

بشنو صدای آتشینم تو دست رد نزن به سینه ام

نقل این است که :خانوم زینب دستاشون رو گرفت: آوردشان جلوی خیمه آقا سید الشهداء فرمود: من داخل نمی آیم، شما بروید و از دایی تان اجازه بگیرید من اینجا ایستاده ام ، خود زینب بیرون ایستاده، دائم می گوید خدایا، نکند من سهمی نداشته باشم، بچه ها رفتند داخل و برگشتند، بی بی زینب دید خرابند، چی شد مادر، سرشون رو انداختند پایین، گفتند:مادر دایی راضی نمی شود.راضی نمی شود!چطور؟ دست بچه ها را گرفت امد داخل خیمه ی ابی عبدالله، صدا زد، من و تو یه قرارایی با هم داشتیم، چه طور وقتی نوبت اکبر می شود، فوری می گویی برو، وقتی نوبت قاسم می شود، ولو سخت راضی می شوی، حالا که نوبت من شده، نه می گویی . نمی دانید چقدر حسین گریه کرد.

تو باید امشب با زینب بگی این است، نشست کف خیمه:

حسين غريب مادر، حسين غريب مادر.....